

# زنان فعال عصر امام حسین علیه السلام

<?xml encoding="UTF-8?">

زنان غیر هاشمی حاضر در واقعه کربلا

1. گَبْشَه، مولاة امام حسین «علیه السلام» کنیه اش ام سلیمان است. کنیز امام حسین «علیه السلام» که آن حضرت وی را هزار درهم خرید و در خانه ام اسحق (مادر فاطمه صغری) همسر امام، خدمت می کرد. سپس با ابو رزین ازدواج کرد و سلیمان از او به دنیا آمد. سلیمان غلام امام حسین «علیه السلام» بود. سلیمان پیک امام حسین به سوی رؤسا و اشراف بصره بود که عبید الله بن زیاد دستور داد گردنش را بزنند. سلیمان همان است که در زیارت ناحیه مقدسه نامش آمده است. ام سلیمان به همراه مولایش امام حسین «علیه السلام» راهی کربلا شد. همسرش نیز از اصحاب امام حسن «علیه السلام» بود. ام سلیمان زنی عالم، فاضل و نیکوکار بود که همراه مولایش امام حسین «علیه السلام» راهی کربلا شد و جزو اسیران واقعه عاشورا گردید. وی تمام مصایب را در راه خدا تحمل کرد.

2. فُکْهیه زوجه عبد الله بن اریقط بود. وی در خانه رُباب، همسر امام حسین «علیه السلام» خدمت می کرد. از عبد الله فرزند پسری آورد به نام قارب که در کربلا به شهادت رسید. فکھیه نیز همراه رباب در زمین کربلا به سلک اسیران به شام رفت.

3. حُسْنِیه یکی از جواری حضرت سید الشهداء است، امام حسین «علیه السلام» او را از نوفل بن حارث بن عبدالمک خرید. وی به ازدواج مردی به نام سهم درآمد و مُنْجَح از او متولد گردید. حُسْنِیه به امام زین العابدین «علیه السلام» خدمت می کرد تا اینکه به همراه سید الشهداء «علیه السلام» و فرزندش منجح به کربلا آمد. منجح در کربلا به شهادت رسید. حُسْنِیه با اهل بیت «علیهم السلام» در مصایب آن شریک و یاور و غمخوار آنان بود.

زنان دیگری نیز در کربلا حضور داشتند که به دلیل طولانی شدن مطالب از ذکر نام آنان خودداری می کنیم.

زنانی که در بین راه مدینه تا کربلا به کاروان کربلا پیوستند

1. ام وهب، همسر عبدالله بن حباب الکلبی ام وهب یکی از زنان شجاع و مجاهدی بود که نام اصلی او قمر دختر عبد از بنی فمر بن قاسم و همسر عبد الله بن عمیر از طایفه بنی عُلیم بود، چون شوهرش تصمیم گرفت از کوفه به یاری حسین «علیه السلام» بیرون بیاید ام وهب نیز اصرار کرد تا او را با خود ببرد.

در روز عاشورا وقتی عبدالله بن عمیر به میدان رفت او نیز چوبی به دست گرفت و به میدان شتافت. ولی امام حسین «علیه السلام» مانع او شد و فرمود: «زنان موظف به جهاد نیستند». اما پس از شهادت شوهرش به بالین او رفت و صورت او را پاک کرد و می گفت: بهشت بر تو مبارک باد! از خدا درخواست می کنم که مرا همراه تو قرار

دهد که شمر، غلامش رستم را سراغ او فرستاد. آن غلام با عمود سر او را شکافت و به شهادت رسانید. ام وهب اولین زن شهید در روز عاشورا بود.

در برخی منابع ماجرای مشابه این، ولی با تفاوت هایی درباره وهب بن عبدالله بن عمیر نقل کرده اند و زنی را که در کربلا به شهادت رسید همسر وهب می دانند. از جمله علامه مجلسی در بحار الانوار می نویسد: «وهب بن عبدالله کلبی از شهدای کربلاست. مادر و همسرش نیز در کربلا بودند و به شهادت رسیدند.»

شیخ عباس قمی به نقل از علامه مجلسی می گوید: در حدیثی دیدم که ابن وهب نصرانی بود و با مادرش به دست حسین «علیه السلام» مسلمان شد؛ در مبارزه خود بیست و چهار پیاده و دوازده سوار را کشت و اسیر شد. او را نزد عمر سعد بردند و گفت: عجب شجاعتی داری؟ سپس دستور داد سرش را ببرند و به لشکرگاه حسین «علیه السلام» انداختند. مادرش سر او را برداشت و بوسید و به لشکرگاه ابن سعد انداخت و به مردی خورد و او را کشت. سپس با تیرک چادر حمله کرد و دو مرد دیگر را کشت. حسین «علیه السلام» او را فرمود: ای ام وهب، برگرد. جهاد از زنان برداشته شده. ام وهب برگشت و می گفت: «الهی نا امیدم مکن، حسین «علیه السلام» فرمود: تو را خدایت نا امید نکند ای ام وهب.»

سید بن طاووس در این باره می نویسد: وهب بن جناح کلبی، همسر و مادر خویش را نیز با خود به کربلا آورده بود. در برخی روایات هم از دو «وهب» نام برده شده است. به هر حال همسر وهب اولین زنی بود که در سپاه حسین «علیه السلام» به شهادت رسید و مادر وهب از او راضی نشد مگر آنکه او را در رکاب حسین «علیه السلام» کشته ببیند و این در سایه تربیت حسینی و زهرایی «علیهما السلام» و عشق به اهل بیت پیامبر «صلی الله علیه و آله» چیز تازه ای نیست.

2. ام خلف همسر مسلم بن عوسجه ام خلف از زنان نامدار شیعه در قرن اول هجری است. وی با مسلم بن عوسجه - یار باوفای حسین «علیه السلام» - ازدواج کرد که ثمره آن فرزندی به نام خلف بود. مسلم بن عوسجه و فرزندش در روز عاشورا در رکاب مولایشان حسین «علیه السلام» به شهادت رسیدند. ام خلف از زنان مؤمنه ای بود که محبت اهل بیت «علیهم السلام» سراسر وجودش را پر کرده بود. ام خلف که با همسر و پسرش در بین راه به کاروان حسین «علیه السلام» پیوسته بود پس از شهادت شوهرش مسلم، فرزندش را به میدان جنگ فرستاد. پس از شهادت مسلم بن عوسجه، امام حسین به فرزندش خلف فرمود: اگر به میدان روی و کشته شوی، مادرت تنها و بی کس خواهد بود، تو به سرپرستی مادرت سزاوارتری تا به جنگ.

ام خلف که شاهد این سخنان بود، در برابر فرزندش ظاهر شد و خطاب به او گفت: ای پسر! نصرت و یاری فرزند پیامبر «صلی الله علیه و آله» را بر سلامت و امان خودت ترجیح ده؛ اگر سلامت خودت را برگزینی هیچ گاه از تو راضی نخواهم شد.

خلف با شجاعت به میدان رفت. ام خلف او را تشویق می کرد و می گفت: بشارت باد بر تو ای پسر! که به زودی از آب کوثر سیراب خواهی شد. خلف سی نفر از دشمنان را به قتل رسانید و خود در راه دفاع از دین و امامش به شهادت رسید. کوفیان سر او را به سوی مادرش انداختند. آن زن شجاع و وارسته سر فرزند جوان را به آغوش گرفت و بوسید و گریه سر داد به گونه ای که همه کسانی که شاهد این صحنه جانسوز بودند به گریه افتادند و شیرینی پیروزی ظاهری دشمن را به کام آنان تلخ نمود.

3. ام عمرو جُناده همسر جنادة بن كعب انصاری نامش بحریه بنت مسعود الخزرجی است. همسر جنادة بن كعب انصاری و از شهدای کربلاست. نامش را جنادة بن حرث هم نوشته اند که از طایفه خزرج بود. جنادة بن كعب از مکه به کاروان حسین «علیه السلام» پیوست و در روز عاشورا در حمله اول به شهادت رسید. پسرش عمرو بن جناده نیز در کربلا شهید شد.

عمرو بن جناده انصاری از شهدای نوجوان کربلا بود و چون خواست به میدان رود امام فرمود: پدر این جوان کشته شده شاید مادرش راضی نباشد که به میدان رود، عمرو گفت: مادرم دستور داده که به میدان بروم و لباس جنگ بر من پوشانده است. عمرو بن جناده 9 یا 11 سال بیشتر نداشت که به میدان رفت و شهید شد. سرش را برای مادرش انداختند. مادرش آن سر را برداشت و گفت: چه نیکو جهاد کردی پسر، ای شادی قلبم! ای نور چشمم! سپس سر را به طرف دشمن پرتاب کرد و آن سر به مردی خورد و او را از پای در آورد، سپس عمود خیمه را برداشت و حمله کرد که به وسیله آن بجنگد. امام حسین «علیه السلام» مانع او شد و او را به خیمه زنان برگرداند. نام عمرو بن جناده در زیارت ناحیه مقدسه آمده است.

4. رویحه، همسر هانی بن عروه مرادی رویحه با ورود مسلم بن عقیل به کوفه، در منزل خود از او پذیرایی نمود. با شهادت مسلم بن عقیل و همسرش هانی بن عروه به اتفاق فرزندش یحیی در کوفه مخفی شد. با اطلاع از ورود امام حسین «علیه السلام» به کربلا، نزد حضرت شتافتند و یحیی در رکاب امام حسین «علیه السلام» به شهادت رسید. پدر این زن عمر بن حجاج در کربلا در لشکر عمر سعد بود و به موکلین آب فرات تأکید می کرد نگذارند سپاه حسین «علیه السلام» به آب دسترسی پیدا کنند؛ اما این زن شجاع در محبت اهل بیت «علیهم السلام» همانند شوهرش هانی بود.

زنان حمایت کننده از نهضت عاشورا که در واقعه کربلا حضور نداشتند

زنانی نیز بودند که در کربلا حضور نداشتند لیکن با شنیدن پیام نهضت امام حسین «علیه السلام» به طُرُق گوناگون نقش مؤثری در زمینه سازی قیام بر علیه حکومت بنی امیه داشتند. این زنان ضمن تأسی به زنان حاضر در کربلا، از طریق ایراد خطبه، سرودن شعر، روایت حدیث و برپایی مجالس عزاداری و سوگواری به رسالت خود در زمینه نهضت امام حسین «علیه السلام» و حفظ بقای اسلام حقیقی و افشای ماهیت واقعی حکومت بنی امیه، ادامه می دادند.

زنان حمایت کننده از نهضت عاشورا را به دو بخش زنان هاشمی و زنان غیر هاشمی تقسیم می کنیم:

الف: زنان هاشمی حمایت کننده از نهضت کربلا

1. ام سلمه، هند دختر ابو امیه، همسر پیامبر «صلی الله علیه و آله» ام سلمه یکی از همسران رسول خدا «صلی الله علیه و آله» بود. نام او هند و کنیه اش ام سلمه بود و دختر ابو امیه حذیفة بن مغیره بن عبدالله... و از زنان بزرگ و نامدار صدر اسلام است. وی ابتدا با ابو سلمة بن عبدالاسد مخزومی ازدواج کرد و صاحب فرزندی چون «زینب، سلمه، عمر و درة» گردید.

بعد از وفات ابو سلمه، در سال دوم یا چهارم هجری به ازدواج پیامبر اکرم «صلی الله علیه و آله» در آمد. ام سلمه، علاقه و محبت زیادی به اهل بیت عصمت و طهارت به ویژه امام حسین «علیه السلام» داشت و آن

حضرت او را مادر خطاب می کرد. ام سلمه که جریان واقعه کربلا را از رسول اکرم «صلی الله علیه و آله» شنیده بود و می دانست که امام حسین «علیه السلام» تنها و غریب با لبان تشنه در سرزمین کربلا کشته خواهد شد، سعی فراوانی داشت تا حضرت را از سفر به کربلا باز دارد. هنگامی که امام تصمیم به حرکت گرفت ام سلمه به ایشان گفت: عزیزم! با خروجت به عراق ما را محزون و غمگین مکن از جدت رسول خدا «صلی الله علیه و آله» شنیدم که فرمود:

«حسینم در کربلا کشته خواهد شد»، امام در پاسخ فرمود: «مادر! می دانم که در کربلا کشته خواهم شد و خانواده ام به دست دشمن اسیر می شوند، ولی این راه باید پیموده شود؛ زیرا صلاح دین خدا در آن است. هنگامی که امام حسین «علیه السلام» عزم رفتن به عراق نمود وصایای خود را به ام سلمه سپرد و او هم بعدها به امام سجاد «علیه السلام» تحویل داد.

ام سلمه، به دستور رسول خدا «صلی الله علیه و آله» سرپرستی فاطمه زهرا «علیها السلام» را بر عهده گرفت، او در این زمینه می گوید: «همه می پندارند که من فاطمه را ادب می کنم، چنین نیست، او معلم من است». ام سلمه در هر حال در جان نثاری برای فاطمه کوتاهی نکرد. به خاطر شهادتی که ام سلمه در مورد فدک به نفع فاطمه زهرا «علیها السلام» داد، ابوبکر و عمر یک سال خرج او را قطع کردند. ام سلمه پس از رحلت پیامبر همواره هوادار اهل بیت «علیهم السلام» باقی ماند و از مخالفین لعن امام علی «علیه السلام» توسط معاویه بود. این بانوی بزرگوار از راویان حدیث پیامبر «صلی الله علیه و آله» بود.

ابن اثیر در کتاب الکامل فی التاریخ آورده است که پیامبر «صلی الله علیه و آله» مشتی خاک تربت سید الشهداء «علیه السلام» را به ام سلمه داد و فرمود: «هرگاه این خاک تبدیل به خون شود، فرزندم حسین «علیه السلام» به شهادت رسیده است». به همین دلیل ام سلمه سعی نمود امام حسین «علیه السلام» را از رفتن به عراق باز دارد. در روز عاشورا وقتی امام حسین «علیه السلام» به شهادت رسید، این خاک تبدیل به خون گردید.

ام سلمه از رسول خدا «صلی الله علیه و آله» خواست که: از خدا بخواهید که کشته شدن را از او (امام حسین «علیه السلام» دور کند). رسول خدا «صلی الله علیه و آله» فرمود: از خدا خواستم ولی وحی شد برای او درجه ای است که کسی بدان درجه نخواهد رسید. او شیعیانش را شفاعت می کند و مهدی «عج» از فرزندان اوست. خوشا به حال کسی که از دوستان و شیعیان حسین «علیه السلام» باشد. به خدا سوگند که شیعیان او در روز قیامت رستگار خواهند بود.

روزی ام سلمه، رسول خدا «صلی الله علیه و آله» را در خواب با چهره ای غمگین و لباسی خاک آلود دید، حضرت به او فرمود: از کربلا و از دفن شهدا می آیم، ناگهان ام سلمه از خواب بیدار شد و با صدای گریه و شیون او همسایگان آمدند و ماجرا را باز گفت. وی از همان روز برای سید الشهداء «علیه السلام» عزا گرفت. ام سلمه آن روز را به خاطر سپرد. روز دهم محرم و بعد هم که جریان دقیق واقعه را از اهل بیت «علیهم السلام» که حاضر در کربلا بودند پرسید آن روز را با واقعه شهادت امام حسین «علیه السلام» مطابق یافت.

ام سلمه نزدیک 387 حدیث از پیامبر «صلی الله علیه و آله» و فاطمه «علیها السلام» و ابو سلمه نقل کرده است. از احادیثی که از پیامبر «صلی الله علیه و آله» نقل کرده: امامان پس از من دوازده نفرند، به تعداد نقبای بنی اسرائیل، نه تن ایشان از نسل حسین «علیه السلام» هستند، خدا علم مرا به آن ها داده، پس وای بر دشمنان آن ها

عمر رضا کحاله می گوید: [ام سلمه] زنی مهاجر، جلیل القدر، صاحب رأی، با کمال و عقل بود و به حبشه و مدینه

مهاجرت کرد. شیخ محلاتی می نویسد همه علمای اسلام بر این نظر اتفاق دارند که ام سلمه در علم و تقوی و فصاحت و بلاغت و محبت نسبت به اهل بیت رسالت «کاتوره علی شاهی الطور» است. ام سلمه پس از حمایت های فراوانی که از اهل بیت نمود، سرانجام در 62 ه. ق. در سن 84 سالگی در زمان حکومت یزید - پس از واقعه عاشورا- در شهر مدینه از دنیا رفت و در قبرستان بقیع به خاک سپرده شد.

2. ام البنین، فاطمة الکلابیه، همسر امام علی «علیه السلام» ام البنین دختر حزام بن خالد بن ربیعہ معروف به وحید بن کلاب، همسر امام علی «علیه السلام» بود، مادرش ام لیلی نام داشت. نام این بانو فاطمه و کنیه اش ام البنین است. این بانو گرچه در کربلا حضور نداشت ولی چهار فرزند رشیدش در حادثه عاشورا در راه یاری امام حسین «علیه السلام» به شهادت رسیدند. نه او مأوی زانی بود که برای عزاداری امام حسین «علیه السلام» جمع می شدند. او که از حضرت علی «علیه السلام» دارای چهار پسر به نام های عباس، عبدالله، جعفر و عثمان بود و همگی در کربلا شهید شدند، شیوه عزاداری را برای مبارزه انتخاب کرد تا ابعاد مختلف و ناگوار جنایات کربلا در یادها بماند و دشمنان سرمست از پیروزی را شرمند و مطرود سازد.

حضرت ام البنین که دارای ذوق و قریحه شعر بود، هر روز با عبدالله فرزند حضرت ابوالفضل «علیه السلام» به بقیع می رفت و به یاد چهار فرزندش به گریه و زاری می پرداخت به گونه ای که مردم دور او جمع می شدند و عزاداری می کردند و به نوحه و سوگواری او گوش می دادند؛ حتی مروان بن حکم نیز که به دشمنی با بنی هاشم شهرت داشت در آن صحنه حضور می یافت و گریه می کرد. ترجمه یکی از معروف ترین مرثیه های آن بانوی دلسوخته چنین است:

«رگ های قلبم را پاره کردی، فرزندانم، هر کسی که زیر آسمان کبود است فدای ابا عبدالله الحسین «علیه السلام» باد».

همچنین در مورد ابوالفضل العباس «علیه السلام» فرزندش سروده که:

«آه به من خبر دادند که بر سر فرزندم عباس عمود آهنین زده اند در حالی که دست در بدن نداشت. وای چه بر سر من آمد و چه مصیبتی بر فرزندانم رسید. اگر فرزندم عباس دست در بدن داشت، چه کسی جرئت می کرد به او نزدیک شود؟!».

ام البنین از زنان فاضله و نامداری بود که به حق اهل بیت عصمت و طهارت «علیهم السلام» معرفت داشت و دارای زهد و پارسایی و فصاحت و بلاغت بود.

زمانی که خبر فاجعه کربلا توسط بشیر به مدینه رسید ام البنین سؤال کرد: از امام حسین چه خبر؟ بشیر پاسخ داد که خدا تو را صبر دهد، فرزندت عباس کشته شد. ام البنین فرمود: معنای این خبر چیست، از امام حسین «علیه السلام» برایم بگو.

بشیر خبر شهادت چهار فرزند ام البنین را داد. آن بانوی با ایمان باز هم سراغ حسین «علیه السلام» را می گرفت، بالاخره هنگامی که خبر شهادت امام حسین «علیه السلام» را شنید ناله ای زد و فرمود: تمام فرزندانم فدای ابا عبدالله الحسین «علیه السلام».

ام البنین «علیه السلام» در سال 70 هجری از دنیا رفت و در قبرستان بقیع شهر مدینه به خاک سپرده شد.

3. زینب صغری، معروف به ام لقمان، دختر عقیل بن ابی طالب. زینب دختر عقیل برادر زاده امام علی «علیه

السلام» است. گفته می شود زمانی که امام حسین «علیه السلام» به شهادت رسید، زینب همراه عده ای از زنان خارج شد و در حالی که می گریست، می گفت: چه جوابی به پیامبر «صلی الله علیه و آله» خواهید داد آن گاه که به شما گوید: با عترت و اهل بیت من چه رفتاری نمودید ای آخرین امت... یا آن ها را اسیر نموده یا از روی ظلم و ستم به قتل رسانیدید. آیا این جواب محبت های من بود که شما را پند دادم که پس از من با خویشانم بد رفتاری نکنید.

شیخ محلاتی می نویسد: «ام لقمان دختر عقیل بن ابی طالب است، این زن در مدینه بود، چون خبر شهادت سید الشهداء را شنید با خواهرانش ام هانی، سماء و رمله و زینب از خانه بیرون دوید و زار زار بگریست و اشعار زیادی سرود و دشمنان را به خاطر ارتکاب چنین اعمالی سرزنش کرد.

ب: زنان غیر هاشمی حمایت کننده از واقعه عاشورا

1. جمعی از زنان بنی اسد بنی اسد نام تیره ای از قبیله بزرگ و سلحشور و مشهور عرب از فرزندان اسد بن خزیمه بن مدرکه می باشد. جمعی از علما، اصحاب، شعرا و حتی برخی از همسران پیامبر «صلی الله علیه و آله» از این قبیله بودند. این قبیله در هنگام بنای کوفه، جنوب مسجد کوفه را برای خود در نظر گرفتند. در جنگ جمل دوشادوش امام علی «علیه السلام» جنگیدند. در قیام امام حسین «علیه السلام» در سال 61 ق. بنی اسد به سه دسته موافق حضرت، مخالف و بی طرف تقسیم شدند. از سران موافق حضرت که در کربلا شهید شدند حبیب بن مظهر (مظاهر) اسدی، انس بن الحرث، کاهلی اسدی، مسلم بن عوسجه اسدی و عمرو بن خالد صیداوی اسدی بودند.

از مشهورترین سران مخالف بنی اسد در روز عاشورا حرمله بن کاهل اسدی قاتل کودک شش ماهه امام حسین «علیه السلام» (علی اصغر «علیه السلام») بود. دسته سوم که در سرزمین غاصریه در کنار نهر علقمه در شمال شرقی کربلا سکونت داشتند و در روز عاشورا بی طرفی اختیار کردند، این دسته از سوی سید الشهداء و حبیب بن مظهر (یا مظاهر) اسدی به کمک و یاری فرا خوانده شدند اما تا آخرین لحظه بی طرفی اختیار کردند. پس از شهادت سید الشهداء و یاران گرانقدرش، زنان بنی اسد گذرشان به میدان جنگ افتاد (دسته بی طرف). اجساد امام و یارانش را در زیر آفتاب تابان مشاهده نمودند و سخت تحت تأثیر قرار گرفتند و به سرزمین غاصریه (محل دسته سوم) شتافتند و مردان خود را جهت دفن اجساد شهدا خبر کردند. اما مردان قبیله از ترس ابن زیاد حاضر نشدند در به خاک سپاری اجساد شرکت کنند، لذا زنان بنی اسد خود بیل و کلنگ برداشتند و به سمت کربلا حرکت نمودند. پس از مدت کوتاهی، وجدان مردان قبیله بیدار گشت، به خود آمده دنبال زنان حرکت نمودند و به دفن پیکر مطهر شهدا پرداختند.

این نخستین جنبش مخالف علیه ابن زیاد و بنی امیه پس از واقعه طف به حساب می آید. این فداکاری بنی اسد سبب شهرت آنان در میان شیعیان جهان گشت.

2. هند، همسر یزید بن معاویه هند، دختر عبدالله بن عامر بن کریز بود. ابن مخنف می نویسد: سر حسین «علیه السلام» پیش روی یزید بود و یزید با چوب دستی خود بر سر مبارک می زد. یکی از اصحاب رسول خدا «صلی الله علیه و آله» ابو برزه ی اسلمی اعتراض کرد که چوب به دهان و دندان کسی می زنی که بارها دیدم رسول خدا «صلی الله علیه و آله» آن جا را می مکیده (می بوسیده) است. مگر نه این است که شفیع تو در روز

قیامت ابن زیاد، و شفیع حسین «علیه السلام» محمد «صلی الله علیه و آله» خواهد بود. سپس برخاست و از مجلس بیرون رفت.

همسر یزید، وقتی این سخنان را شنید، لباسش را پیچید و از اندرون بیرون آمد و به یزید گفت: آیا این سر حسین «علیه السلام» پسر فاطمه «علیها السلام» است؟ یزید گفت: آری، سپس خواب خود را که نشانگر عزادار بودن پیامبران و امام علی «علیه السلام» و حضرت زهرا «علیها السلام» و زنان مشهور (مریم، هاجر، ساره، خدیجه) بود را بیان نمود. سپس گفت: رسول خدا گریست و فرمود: پدر! آدم! نمی بینی طاغیان با فرزندم چه کردند؟ آدم و حاضران و فرشته ها همه گریستند و مردان بسیار گرد سر دیدم، یکی می گفت: صاحب خانه را بگیرد و در آتش بسوزانید. و ای یزید تو از در خانه بیرون آمدی و می گفتی کجاست گریزگاه از آتش.

برخی از منابع این جریان را به کنیز یزید نسبت می دهند و اینکه پس از این سخنان، یزید دستور داد آن کنیز را گردن زدند. اما محلاتی و دیگران این ماجرا را به هند همسر یزید منسوب می دانند بدون اینکه از گردن زدن کنیز یاد کنند.

3. ماریه بنت سعد العبدیه ماریه دختر منقذ معروف به عبدیه بصریه از بانوان با اخلاص و شیعه بصره بود. خانه او محل تجمع دوستداران اهل بیت «علیه السلام» و محل تجمع یاران امام حسین «علیه السلام» و شکل گیری حرکت های شیعیان و مذاکرات آنان بود. زمانی که این خبر به ابن زیاد رسید دستور داد که جلوی ایشان را بگیرند و راه ها را ببندند.

وقتی نامه امام حسین «علیه السلام» توسط غلام امام، سلیمان به آنان ابلاغ شد اولین کسی که به آن جواب مثبت داد یزید بن نبیط بصری بود که در خانه ماریه با پیام امام آشنا شد. او دارای ده پسر بود که فقط دو نفر از فرزندان به نام های عبدالله و عبید الله حاضر به همراهی با پدر برای پیوستن به سپاه امام شدند. آنان در مکه به امام پیوستند و هر سه در کربلا شهید شدند. تلاش های ماریه باعث شد افراد دیگری از قبیل ادهم بن امیه به همراه یزید بن نبیط از بصره به مکه آمده و به امام ملحق شوند!

همسر ماریه و فرزندش در جنگ جمل در راه امام علی «علیه السلام» به شهادت رسیده بودند. ماریه که زنی ثروتمند بود تمامی ثروتش را وقف ترویج معارف نورانی اهل بیت عصمت و طهارت کرده و به اشاعه نهضت عاشورا مبادرت ورزید و در این راه از هیچ کوششی دریغ نکرد.

4. درّة الصّدف، دختر عبدالله عمر انصاری درّه دختر عبدالله بن عمر الانصاری بود که در راه دفاع از سر مبارک امام حسین «علیه السلام» به شهادت رسید. این بانوی با ایمان و پدرش هر دو از دوستداران اهل بیت «علیهم السلام» بودند و در شهر حلب زندگی می کردند. او و پدرش رابطه عاطفی فوق العاده ای نسبت به امام حسین «علیه السلام»، (امام حسن «علیه السلام») و (امام علی «علیه السلام») داشتند. عبدالله بن عمر وقتی شنید امام حسین «علیه السلام» به شهادت رسیده و سر بریده او را به شام نزد یزید می برند با حزن و اندوه وارد خانه شد. دخترش علت غم پدر را جویا شد. وقتی عبدالله همه چیز را برای دخترش گفت و اینکه هم اکنون سر مقدس سید الشهداء «علیه السلام» به حوالی حلب رسیده است آن بانوی شجاع و مشحون از معرفت گفت: «بعد از کشته شدن هادیان مردم، خیری در زندگی نیست. قسم به خدا اگر بتوانم سر مبارک امام حسین «علیه السلام» و کاروان اسیران را نجات خواهم داد و آن سر مقدس را در منزل خود دفن نموده و از این بابت بر اهل

زمین افتخار خواهم کرد.

سپس دره الصدف خروج کرد و مردم حلب و نواحی آن را به کمک طلبید. گروهی به او پیوستند. مورخان تعداد زنانی را که به یاری او شتافتند هفتاد زن می نویسند که همگی لباس رزم بر تن با طلوع آفتاب، و مشاهده نخستین علامت اسرای خاندان نبوت و با شنیدن صدای گریه کودکان و نوحه سرایی زنان اهل بیت «علیهم السلام» در کمین ایستادند. سپاه بنی امیه که بسیار بودند آنان را شناسایی کرد به مقابله با آنان پرداختند. دره الصدف با وجود کمک بعضی از قبایل حلب، طی نبردی نابرابر به شهادت رسید و بقیه متفرق شدند. پس از خروج زنان بنی اسد در کربلا، این قیام دوم زنان پس از واقعه طف بود.

5. دومه، مادر مختار ثقفی و عمره معروف به بیضاء همسر مختار هر دو از زنان شجاع و با کمال عصر خود بودند که از مشوقین مختار به قیام بر علیه بنی امیه و خونخواهی امام حسین «علیه السلام» بودند و در کنار مختار ماندند. پس از شکست مختار توسط مصعب بن زبیر، هر دو به دست او به شهادت رسیدند.

### نتیجه گیری

در پایان این مقاله باید اشاره کنیم که نقش زنان در ترویج و اشاعه پیام عاشورا بسیار مهم و اساسی بود. به جرئت می توان گفت که زنان در نهضت عاشورا نقش مهم و کلیدی در رساندن پیام عاشوا و پایمال نشدن خون شهیدان کربلا داشتند. این نقش چه از طریق مشارکت در جهاد و مبارزه مستقیم همچون جنگ همسر وهب (عبدالله)، چه از طریق عمل و گفتار و رفتار که می توان نمونه بارز آن را در حضرت زینب «علیها السلام» و حضرت ام کلثوم «علیها سلام» دید.

زنان در جاهایی که اشک مؤثرتر بود اشک ریختند و عزاداری کردند، مانند ام البنین «علیها السلام» و زمانی نیز با سخنان کوبنده خود در مقابل ستم زمانه سر خم نکردند، مانند خطبه های حضرت زینب «علیها السلام» در شام و کوفه و حضرت ام کلثوم «علیها السلام» و گاه با حمایت از اهل بیت حتی در مقابل جهل و نادانی همسر و فرزندان خود ایستادند، مانند همسر خولی و نارضایتی خود را از شرکت همسر و فرزندانشان را در صف بنی امیه برای قتال با پسر رسول خدا «صلی الله علیه و آله» اعلام کردند و چه آن گاه که با عزم راسخ خود بی طرفی همسرانشان را را سرزنش کردند، مانند زنان بنی اسد و چه با پناه دادن به سفیران و پیام رسانان امام حسین «علیه السلام» مانند مسلم بن عقیل توسط طوعه و سلیمان توسط ماریه در دوره سخت اختناق و ظلم بنی امیه به خصوص جنایتکار خونریز آنان ابن زیاد مبارزه نمودند.

در آخر هم با قیام زنانی همچون دره الصدف، بر علیه ظلم ظالمان شوریدند و دست به شمشیر بردند. در واقع زنان چه در زمان عاشورا و چه پس از آن با عزمی پولادین به دفاع از دین و امام خویش پرداختند و به همگان آموزش صبر و مقاومت و جهاد و اطاعت از امام خویش را دادند. آنان ضمن حفظ ارزش های دینی، با رهبری و مدیریت خاص خویش به دفاع از حریم ارزش ها و امام شهید خود پرداختند.

در عین حال مراقب جان امام پس از امام حسین «علیه السلام» و مراقب اطفال یادگار امام حسین «علیه السلام»، با انتخاب شیوه های تبلیغاتی مناسب (خطابه، شعر و...) به بیان ظلم یزیدیان، معرفی امام پس از امام حسین «علیه السلام» پرداختند و از محو شدن اسلام در فضای اغراض بنی امیه جلوگیری کردند. آنان در پوسیدگی بنیان های حکومتی بنی امیه نقش به سزایی داشتند. با ظهور حکومت بنی عباس با شعار

حمایت از علویان، حکومت امویان در سال 132 ق. سقوط کرد. گر چه حکومت عباسیان به نام علویان تشکیل شد ولی علویان را در تنگناهای شدید قرار داد.

اما انقلاب عاشورا همواره الهام بخش نهضت های شیعی در طول تاریخ گردید و نام زنان مؤثر در پیام آوری انقلاب عاشورا و ادامه نهضت امام حسین «علیه السلام» و در مبارزه با حکومت های غاصب و ستمگر و دفاع از اسلام راستین، برای همیشه در دفتر تاریخ اسلام به افتخار و عزت ثبت گردید.

والسلام

-----

پی نوشت ها :

1. اعلام النساء و المؤمنات، پیشین، ص. 602.
2. زنان عاشورایی، ص. 49.
3. پیشین، ص. 49.
4. اعلام النساء، پیشین، ص. 49.
5. زنان عاشورایی، پیشین، ص 57 - 60.
6. همان، ص 60 - 61.
7. لهوف، ص. 105.
8. اعلام النساء، ج 5، ص. 222.
9. زنان عاشورا، سید احمد رضا حسینی، ص 165 - 166.
10. همان، ص 166 - 167.
11. الامالی، شیخ صدوق، تحقیق قسم الدراسات الاسلامیه، مؤسسه البحث، الطبعة الاولى، تهران، المجلسی، التاسع و العشرون، حدیث 3، ص. 203.
12. بحار الانوار، مجلسی، محمد باقر، مؤسسه الوفاء، بیروت، 1403 ق، ج 44، ص 225 و 231 و 236 و 239؛ همان، ج 45 ص 89 و 227؛ اثبات الهداة، عاملی، شیخ حر، دار الکتب الاسلامیه، طهران، بی تا، ج 5، ص 192؛ امالی، شیخ صدوق، ص. 120.
13. بحار الانوار، ج 36، ص 347 - 348.
14. زنان عاشورا، ص 170 - 180.
15. همان، ص. 172.
16. اعلام النساء المؤمنات، ص. 497.
17. زنان عاشورا، ص. 173.
18. اعلام النساء المؤمنات، ص. 379.
19. نا معلوم
20. زنان عاشورا، ص 182 - 183.
21. اللهوف، ص 294 - 295.
22. زنان عاشورا، ص. 184.

23. رباحين الشريعة، ج 3، ص 298 - 297؛ ج 5، ص 63 به نقل از زنان عاشورا، ص 189 - 190.
24. تراجم اعلام النساء، ج دوم، ص 71 - 70، به نقل از زنان عاشورا، ص 11.
25. زنان عاشورا، ص 191.
26. تاريخ طبري، ج 7، ص 3034 و 3035 به نقل از زنان عاشورا، ص 185.